

رفیق عباس قربانعلی پور

یکی دیگر از نویسندگان شوکران رهائی خلق ما، رفیق عباس قربانعلی پور است. رفیق عباس هوادار قهرمان " راه کارگر"، کمونیست جوان، مشعل آگاهی و رفیقی انباشته از عشق به توده ها بود که در " شنبه سرخ" به ضرب گلوله آدم کشان جمهوری فقها از پا درآمد.

یکی از هم زمان او می نویسد: « هنگامی که آدم کشان حزب الله در پناه دو ماشین کمیته چی های مسلح، به مردم یورش آوردند و با انواع سلاح های گرم و سرد و ضربات چاقو و قمه و تیغ مردم را به زمین انداختند، رفیق عباس بر اثر گلوله به زمین افتاد. با چند نفر به کمکش شتافتیم. خون ریزی شدیدی داشت. او را با یک ماشین به بیمارستان رساندیم، در راه بیمارستان نشریه " راه کارگر" 78 را از جیبش در آورد. دستانش کمی سرد و رنگ چهره اش پریده بود، به او گفتم من هم هوادار هستم و دستانش را محکم در دستانم گرفتم. هنگامی که به بیمارستان رسیدیم، او گفت می دانم که دیگر نمی توانم زنده بمانم. من به او گفتم که حتماً زنده می مانی. در حالی که می دانستم گلوله ای که به او اصابت کرده بود، از پهلوئی چپ در لگن فرو رفته و بعد از طی تمامی عرض بدن در پهلوئی دیگرش در آخرین نقطه گیر کرده بود. به طوری که وجود گلوله را در پهلوئی راستش با فشار انگشت می شد حس کرد و به همین خاطر امکان زنده ماندنش کم بود. احساس تشنگی می کرد، اما طبق نظر دکتر نباید آب می خورد. بعد از حدود 20 دقیقه که در بیمارستان بودیم، هنگامی که روی تخت عکس برداری گذاشته بودیمش، هنوز دستش در دست های من بود، احساس کردم که دیگر جانی در بدن ندارد. سرم را روی سینه اش گذاشتم ... دکتر بعد از معاینه گفت که تمام شد».

به هنگامی که ستارگان روشنائی بخش در متن خوشامد صبح می میرند، هرگز نمی گوئیم تمام شد! این فریاد رسای آغاز است و پای نهادن صبح آزادی است در جاده پیروز خلق قهرمان ما که با خون کمونیست ها و انقلابیئن آب و جارو شده است. بگذار رژیم جمهوری اسلامی، دشمنان امپریالیسم و دشمنان نظام سرمایه داری را به جوخه ها بسپارد، توزیع کنندگان نشریات انقلابی و پیک های انقلاب را شکار

نماید و در آستان رسالتش که حفظ نظام سرمایه داری است، قربانی کند، اما انقلاب را هرگز نمی تواند اعدام کند.

پویندگان راه طبقه کارگر را هرگز از مرگ در راه رهایی کارگران و زحمت کشان هراسی نیست، چرا که راه سوسیالیسم، راه پیروزی است.